پارادوکس سرمایهٔ اجتماعی تحصیلکردگان ایرانی:
بررسی رابطهٔ آموزش عالی و سرمایه اجتماعی در ایران

فصلنامه آموزش مهندسی،شماره40

غلامرضا ذاکرصالحی*[1]

چکیده

سرمایهٔ اجتماعی، مجموعه ای از خصایص و مفاهیم از سازمان اجتماعی مانند اعتماد، هنجارها و شبکه هاست که تسهیل کنندهٔ همکاری اعضا برای رسیدن به منافع مشترک است. مطالعات موجود در سطح جهان، عموماً رابطهٔ مثبت بین آموزش و ارتقای سرمایهٔ اجتماعی را تأیید کرده است. در این پژوهش پانزده مورد از این مطالعات در خارج از کشور و سیزده مورد از مطالعات داخل کشور فرا تحلیل و بررسی شده است. بر خلاف رابطهٔ متقابل و مثبت بین سرمایهٔ انسانی و سرمایهٔ اجتماعی، مطالعات موجود در ایران نشان می دهد که نظام آموزش عالی نتوانسته است نقش چندانی در ارتقای سرمایه اجتماعی تحصیلکردگان ایفا کند. فراتحلیل دو گروه از مطالعات داخل و خارج از کشور این نظریهٔ معنایی را برجسته نمود که بر خلاف تحقیقات جهانی، افزایش تحصیلات در ایران، تأثیر منفی بر میزان سرمایه اجتماعی ایرانیان دارد. بررسی این دو روند متناقص گونه، گام بعدی این مطالعه برای حل این ناسازه را سامان داد و 9 وجه گوناگون از مسأله طی فراتحلیل بازخوانی گردید.

در پایان پیگیری شش سیاست برای پرکردن شکاف موجود و ارتقای سطح سرمایه اجتماعی تحصیل کردگان دانشگاهی کشور پیشنهاد شده است.

کلید واژه ها: سرمایه اجتماعی، آموزش، آموزش عالی، اعتماد، شبکه ها، هنجارها

طرح مسأله:

لازمه شکل‌گیری و بقای اجتماع علمی، تعامل در شبکه‌های علمی، پیوندهای مبتنی بر نظام پاداش ویژه و مشارکت در تولید ایده‌های جدید است. در چنین شرایطی به همان نسبت که اجتماع علمی رشد می کند متناظر با آن سرمایه اجتماعی نیز ارتقاء خواهد یافت زیرا بسیاری از مؤلفه‌های این دو مشترک‌اند.

در رویکرد جامعه محور به کارکردها و وظایف دانشگاه، آموزش های رسمی و مستقیم دانشگاهی تنها بخشی از برنامه ها را سامان می دهد. در کنار آن شکل گیری روحیه علمی، جستجوی نظام یافته در دانشجویان، نقد، خلاقیت، توانایی برقراری ارتباطات اجتماعی، توان بازآفرینی، توانایی تلفیق و ترکیب ایده ها، آینده نگری، مشارکت پذیری و تثبیت هویت در تعامل با دیگران نیز مطرح می شود.

در حقیقت دانشگاه آخرین حلقهٔ تربیت مدنی انسان هایی است که در ابعاد شناختی، عاطفی و عملی به سطح قابل قبولی برای تصدی مدیریت اجتماعی رسیده اند (ذاکرصالحی، 1383).

[1]* دانشیار مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی
grsalehi1@yahoo.com

بنابراین فرآیند آموزش حامل نوعی جامعه پذیری جدید است. تحصیل در یک محیط علمی با خرده فرهنگ خاص خود، انتقال دهندهٔ ارزشها، هنجارها و فرهنگ خاص خود بوده و پیوندها و شبکه های اجتماعی جدیدی را به ارمغان می آورد و به ارتقای سرمایه اجتماعی دانش پژوهان منتهی می شود.

بر خلاف رابطهٔ متعامل و مثبت بین سرمایه انسانی و سرمایه اجتماعی، مطالعات موجود در ایران نشان می دهد که نظام آموزش ما به ویژه اجتماع دانشگاهی، قادر به درونی سازی و انتقال ارزشها و هنجارهای علمی _ فرهنگی به دانش پژوهان نیست. به دیگر سخن، آموزش نقشی در افزایش سرمایه اجتماعی ندارد.

هر چند مبحث سرمایه اجتماعی نسبتاً جدید است اما جامعهٔ علمی به نحو روزافزونی نسبت به نقش و تأثیر آن در فرآیند توسعه آگاه‌تر و معتقدتر می‌شود. در کشور ما نیز برای نخستین بار در سال 1383 در قانون برنامه چهارم توسعه در مادهٔ 98 به دولت تکلیف شده است به صورت سالانه و مستمر نسبت به سنجش سرمایه اجتماعی ایرانیان و احصای علل و عوامل تأثیرگذار بر آن اهتمام ورزد.

بدیهی است در فرآیند سنجش سرمایه اجتماعی جنبه‌های مسأله‌ای (پروبلماتیک) وضعیت آن روشن می‌شود. از سویی به دلیل نقش کلیدی تحصیلکردگان در توسعه دانایی محور که از اهداف برنامه چهارم توسعه است، بررسی وضعیت سرمایه اجتماعی این قشر اهمیت مضاعف پیدا می‌کند. در نوشته حاضر با اتکا به پژوهش‌ها و پیمایش‌های قبلی کوشش به عمل می‌آید تا وجه مسأله‌زای سرمایه اجتماعی تحصیلکردگان ایرانی مطرح و نظر سیاست‌گذاران کشور به سوی شناخت شکافها و تعارضهای موجود در این زمینه جلب شود.

تعریف سرمایه اجتماعی و ابعاد آن:

به اعتقاد پاتنام سرمایهٔ اجتماعی «... به مجموعه‌ای از خصایص و مفاهیم از سازمان اجتماعی مانند اعتماد، هنجارها و شبکه‌ها اشاره دارد که تسهیل کنندهٔ همکاری اعضا برای رسیدن به منافع مشترک است (پاتنام، 1380) محور اکثر تعاریف ارائه شدهٔ دیگر نیز حول اعتماد، پیوندها و شبکه‌هاست. از این رو تعریف پانتام را در این نوشتار بر دیگر تعاریف ترجیح می دهیم. در جدول آتی خلاصه ای از تعاریف مختلف را ملاحظه می کنید. (احمدی 1385، شعبانی و آهنچیان 1385، www.worldbank.org.2000)

جدول شماره (1): تعاریف سرمایه اجتماعی

اندیشمندان	تعاریف
کارل مارکس	همبستگی از روی اجبار: پناهندگان و مهاجران در کنارهم در یک محله.
جورج زیمل	داد و ستدهایی که افراد در زندگی اجتماعی صورت می‌دهند، قواعد و هنجارهای آن.
امیل دورکیم، پارسونز	تعهداتی که مبنای آنها، ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی است.
ماکس وبر	مفاهیمی که به اعتماد معطوفند.
پیربوردیو	منابع بالقوّه یا واقعی که حاصل شبکه‌ای ماندگار از روابط کم و بیش نهادینه شده آشنایی و شناخت متقابل.
جیمزکلمن	روابط میان اشخاص، گروهها و اجتماعات که کنش‌ها را تسهیل می‌کند.
رابرت پاتنام	مجموعه ای از خصایص و مفاهیم از سازمان اجتماعی مانند اعتماد، هنجارها و شبکه که می‌توانند کارآیی سازمان را تسهیل کند.
فوکویاما	مجموعه معینی از هنجارها یا ارزش‌های غیررسمی که اعضای گروهی که در میانشان همکاری و تعاون است، در آن سهیم هستند.
لین	مجموعه شبکه‌ها و کنش‌های متقابل افراد که موجبات موفقیت کنش را فراهم می‌آورد.
گلن لوری	تفاوت در میزان برخورداری از فرصت‌ها (از طریق ارتباطات اجتماعی)، برای جوانان وابسته یا غیر وابسته به اقلیّت‌های نژادی.
بیکر	منبعی که کنشگران آنرا از ساختارهای خاص اجتماعی می‌گیرند.
اینگلهارت	فرهنگ اعتماد و مدارا که در آن شبکه‌های گسترده سازمان‌های داوطلبانه می‌روید.
شیف	مجموعه‌ای از عناصر ساختار اجتماعی که بر روابط میان مردم اثر می‌گذارد.
بانک جهانی	پدیده ای که بر نهادهای اجتماعی، روابط انسانی و هنجارها و کم و کیف تعاملات اجتماعی موثر است.
کرینت نروکی نی کی	نیروی سازنده ای که محصول اعتماد، نیک اندیشی، همکاری و پیوندهای استوار است.

ناهاپیت و گوشال (1998) سه جنبهٔ متمایز برای سرمایه اجتماعی قائلند: 1- جنبهٔ ساختاری شامل روابط شبکه‌ای، پیکربندی روابط شبکه‌ای و سازمان مناسب. 2- جنبهٔ شناختی شامل زبان و اسطوره‌های مشترک. 3- جنبهٔ ارتباطی شامل: اعتماد، هنجارها، تعهدات وانتظارات متقابل و هویت مشترک.

دسته بندی دیگر از ابعاد سرمایهٔ اجتماعی توسط گروه «کندی» دانشگاه هاروارد انجام شده است. این گروه مطالعاتی، ابعاد یازده‌گانه‌ای را مورد شناسایی قرارداد که عبارتند از: اعتماد اجتماعی- اعتماد میان نژادهای مختلف- مشارکت سیاسی عادی- مشارکت سیاسی نقادانه- رهبری مدنی(۱)- مشارکت مدنی- پیوندهای اجتماعی غیررسمی (۲)- بخشش و روحیهٔ داوطلبی(۳)- مشارکت مذهبی(۴)- عدالت در مشارکت مدنی- تنوع معاشرتها و دوستی‌ها (الوانی و سید نقوی، 1381)

[1]- Civic Leadership
[2]- Informal Social Ties
[3]- Giving & Volunteering
[4]- Faith- Based Engagement

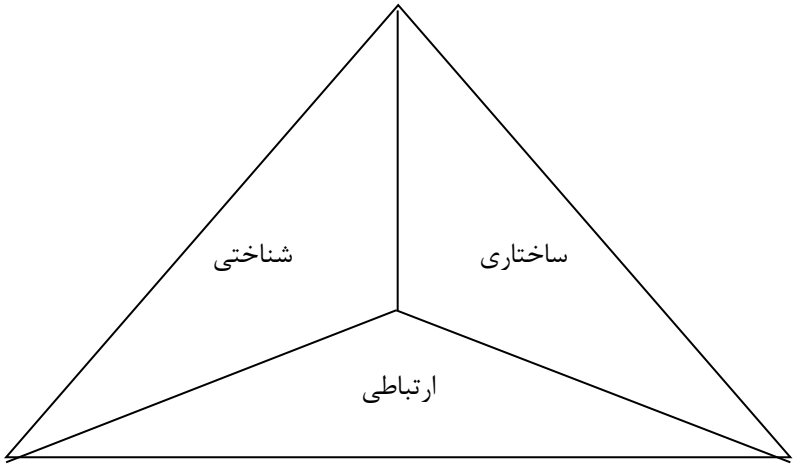

ابعاد مختلف سرمایه اجتماعی

مطالعات انجام شده در داخل و خارج از کشور بیشتر این ابعاد را پوشش داده است.

در جستجوی یک چارچوب نظری:

رابطه سرمایهٔ اجتماعی و آموزش

حداقل در سطح تئوریک انتظار بر این است که ارتقای تحصیلات و سرمایه انسانی بر مؤلفه‌های اصلی سرمایه اجتماعی یعنی اعتماد، پیوندها و شبکه‌ها تأثیر مثبت و فزاینده‌ای داشته باشد. زیرا آموزش همراه با جامعه پذیری علمی بوده و در یک شرایط گروهی و اجتماعی صورت می‌پذیرد و ذخایر جدیدی از روابط و پیوندها را بین همکلاسی ها، معلمان و استادان شکل می‌دهد. در پیمایش ارزشهای جهانی در اکثر کشورها متغیر تحصیلات و آموزش با سایر متغیرهای اجتماعی در ارتباط است.

اگر چه اشکال خودجوش یا مردمی سرمایه اجتماعی در جامعه وجود دارد، اما سازمان‌هایی نیز وجود دارند که دولت‌ها با کمک آنها به دنبال گسترش ارزشهایی هستند که از تعهد مدنی حمایت می‌کند. یکی از این سازمان‌ها نظام آموزشی است. در سالهای اخیر آموزش به عنوان یکی از تولیدکنندگان قدرتمند سرمایه اجتماعی مطرح شده است. شواهد تجربی نیز نقش مثبت آموزش در ایجاد سرمایه اجتماعی را نشان داده‌اند. مطالعات متعدد نشان دهنده این مسئله که در مدارسی که آموزش شهروندی تدریس می‌شود و دانش آموران در معرض ارزشهای مدنی قرار می‌گیرند، احتمال بیشتری وجود دارد که دانش، مهارتها و ارزشهای لازم برای ایجاد سرمایه اجتماعی کسب شود. این افراد تمایل بیشتری برای پیوستن به فعالیتهای داوطلبانه دارند، بیشتر در فعالیت‌های سیاسی مشارکت می کنند، اعتماد اجتماعی بیشتری به افراد و سازمانها دارند، می توانند بین گروه‌های مختلف پل بزنند و کلاً تعهد مدنی بیشتری دارند. بنابراین می‌توان آموزش شهروندی را به عنوان ابزاری در نظر گرفت که به طور مستقیم از طریق ایجاد دانش و مهارتهای لازم و به طور غیرمستقیم از طریق ایجاد شبکه‌ها (سرمایه درون گروهی) و تقویت پیوند بین گروه‌ها (سرمایه بین گروهی) به ذخیره و ایجاد سرمایه اجتماعی کمک می‌کند، (پرینت و کلمن، 2003). آموزش می تواند با تقویت اعتماد و مشارکت بین گروههای مختلف پیوند (سرمایه اجتماعی بین گروهی) ایجاد کند و زمینه ساز تعامل بین هویتها و آموختن آنها از یکدیگر شوند.

پاتنام معتقد است که هنجارها از طریق سرمشق شدن و اجتماعی شدن (از جمله آموزش مدنی) و نیز از طریق مجازات‌ها در افراد جامعه تلقین و تثبیت می‌شوند (پاتنام: 1380)

کلمن خط ارتباط سه مفهوم سرمایه فیزیکی، سرمایه انسانی (آموزش و مهارت) و سرمایه اجتماعی را توضیح داده است. به نظر وی: همچنان که سرمایه فیزیکی با ایجاد تغییرات در موارد جهت شکل دادن به ابزارهایی که تولید را تسهیل می‌کنند به وجود می‌آید، سرمایه انسانی با تغییر دادن افراد برای کسب مهارتها توانایی هایی در آنها به وجود می‌آورد و افراد را در رفتار به شیوه‌ای جدید توانا می‌سازد. سرمایهٔ اجتماعی به نوبهٔ خود وقتی به وجود می‌آید که روابط میان افراد به شیوه‌ای دگرگون شود که کنش را تسهیل نماید. (کلمن 1377)

نظریه پردازانی نظیر گیدنز بین دو نوع اعتماد تمایز قایل می‌شوند، اعتماد به افراد خاص و اعتماد به افراد یا نظام‌های انتزاعی. افراد می‌توانند درباره میزان ارزش اعتماد نسبت به نظام‌های انتزاعی نظیر نهادها نیز دارای باورهایی باشند. این همان چیزی است که گیدنز آن را ایدهٔ اعتماد به «نظام‌های تخصصی»[1]می‌نامد. ممکن است کنشگر از فردی که اتومبیل او یا خانهٔ او را ساخته شناختی نداشته باشد ولی نسبت به نظام استاندارد، تنظیم قواعد و قوانین، نظارت و کنترل کیفیت، دارای میزانی از اعتماد باشد (شارع پور، 1380) بدیهی است هر چه میزان تحصیلات این کنشگر بیشتر باشد احتمال افزایش اعتماد او به نظام‌های تخصصی بیشتر است.

در مجموع نظریهٔ منتخب در این مقاله بر اساس مطالعات کلمن انتخاب شده است که در بخش های بعدی به پاره ای دیگر از مطالعات ایشان استناد می شود.

روش تحقیق

نوع تحقیق حاضر کیفی است و در آن از روش فرا تحلیل کیفی(Qualitative Meta Analysis) استفاده شده است. ابتدا داده‌های کیفی مشتمل بر پژوهش‌های در دسترس داخل و خارج کشور که در آنها عنصر تحصیلات مورد مطالعه قرار گرفته است به صورت منظم طبقه‌بندی و ارائه شده‌اند. سپس تلاش شده است تصویر کلان این پژوهشها از طریق استخراج و تدوین نکات عمده آنها فرا تحلیل شود

فراتحلیل یکی از انواع مطالعهٔ سیستماتیک و بررسی و تحلیل منظم (Systematic Analysis) است.

فرا تحلیل روشی است که به کمک آن می‌توان تفاوت‌های موجود در تحقیقات انجام شده را استنتاج کرد و در رسیدن به نتایج کلی و کاربردی از آن بهره جست ... در روش فراتحلیل ابتدا از طریق شکستن اجزای کل به ماوراء و فراتر از کل اولیه می‌رسیم، سپس تحلیل اولیه را به نحوی منتقل یا تبدیل می‌کنیم که یافته‌های نامناسب در چارچوبی قابل قبول قرار گیرند و سرانجام، تحلیل‌های ترکیب شده اطلاعاتی را نشان دهند که اطلاعات اولیه نشان نداده باشند. در عمل، ابتدا اطلاعات از منابع اولیه استخراج و سپس با یکدیگر ترکیب می‌شوند و سرانجام یک کل جدید را تشکیل می‌دهند. (دلاور، علی: 288)

آنچه که بر اهمیت و کاربرد این روش تحقیق افزوده است، نقش آن در ترکیب و یکپارچه سازی پژوهشهایی است که به صورت انفرادی و پراکنده انجام گرفته است. از نقطه نظر روش شناختی نیز فراتحلیل می‌تواند به روشنی خلاءها و مشکلات و نواقص پژوهش‌ها و مطالعات انجام شده را نشان دهد. در حقیقت پایایی[2] این نوع تحقیقات از طریق تقابل یافته‌های پژوهشی و روایی[3] آنها از طریق آزمون سازگاری آنها با واقعیت‌ها بدست می‌آید و هر دو اینها مرهون انباشت دانش و توسعه آن در فراتحلیل است. (Scherpenzeel,1997:341)

1-expert system
2-Reliability
3 -Validity

پرسش های تحقیق:

در این نوشتار تلاش می کنیم با بررسی مطالعات پیشین به پاسخ پرسشهای زیر دست یابیم:

1. در مطالعات موجود در سطح جهان چه رابطه ای بین سرمایه اجتماعی و آموزش (تحصیلات) وجود دارد؟
2. در مطالعات انجام شده در داخل کشور چه رابطه ای بین سرمایه اجتماعی و آموزش عالی وجود دارد؟
3. فرا تحلیل این دو گروه از مطالعات چه نکات جدیدی بدست می دهد؟
4. چنانچه بین این دو گروه از مطالعات تعارض و ناهمخوانی وجود داشته باشد، با چه فرا تحلیل و احتمالاتی می توان نسبت به حل ناسازه اقدام نمود؟

الف- نگاهی به پژوهش‌های خارجی

مطالعۀ هلیول و پاتنام در امریکا نشان می‌دهد که افزایش میانگین سطوح آموزشی، اعتماد را بالا می‌برد و سطوح مشارکت را بعنوان دومین مؤلفۀ سرمایۀ اجتماعی کم نمی‌کند. (هلیول و پاتنام، 2007)

اما مـطالعه مشابـه در کانادا بازتـاب دهندۀ این نکته است که پی‌آمد شغل‌های افراد فارغ‌التحصیل وابسته به محرک‌های اجتماعی وسیعتری نسبت به آنچه که آنها در دانشگاه فرا گرفته‌اند می‌باشد (گرایسون، 2007)

تحقیق دیگر در آمریکا نشان داد که مطلق آموزش (آموزش خود فرد) تأثیر چندانی در سرمایه اجتماعی ندارد بلکه این نسبت آموزش (سطوح آموزشی جامعه) است که تأثیر دارد. بطوریکه رفتار من می‌تواند نه تنها تحت تأثیر آموزشم، بلکه توسط افراد دیگری که در اطرافم هستند قرار گیرد. برای مثال در مؤلفه مشارکت باید گفت که من بیشتر یا کمتر مایلم تا در فعالیتهای سیاسی و اجتماعی مشارکت کنم، اگر آنهایی که اطرافم هستند تحصیلات بیشتری داشته باشند. (هلیول و پاتنام، 2007)

در مقابل دیدگاه کلمن که بر سرمایۀ اجتماعی پیوسته[1] تمرکز کرده است، استانتون سالازار و دورن بوش، دستاوردهای آموزشی و سرمایه اجتماعی را با توجه به شبکه‌های اجتماعی دانشجویی مورد بررسی قرار دادند. عامل دسترسی به اطلاعات شامل توصیه‌های مشخص دربارۀ تصمیمات آکادمیک، آیندۀ طرحهای آموزش و اشتغال و دسترسی به قانون، خدمات سلامت و بهداشت و کار مورد توجه و مطالعه قرار گرفت.

آنها تصویر پیچیده‌تری را یافتند که در آن عواملی چون دو زبانه بودن و سرمایۀ فرهنگی مشارکتی عواملی کلیدی در دسترسی دانشجویان به منابع اطلاعات و به درجات منابع پایه محسوب می‌شود. (بورنهایم، 2004)

در مطالعه ی روسین و هایلند (2003) این نتیجه به عمل آمد که سرمایۀ اجتماعی دانشجویان در گروههای یادگیری، مشارکت گروهی را به دنبال می آورد و به رشد شناختی و اخلاقی اعضای گروه منجر شده و میزان تعاملات آنها را افزایش می دهد.

مطالعۀ جولیا پریس بین زنان متأهل و مسلمان شاغل به تحصیل در مراکز آموزش بزرگسالان در انگلستان نشان داد که آنان از طریق شرکت در این آموزش‌ها توانستند ساخت سرمایۀ اجتماعی موجود را ارتقا بخشند و قدرت روابط خود را که بر خودآگاهی آنها و حس اعتمادشان بر دیگران تاثیر می گذاشت، از نو بازسازی کنند. (مک نی، 1999)

آموزش مهندسی و سرمایه اجتماعی

فلیک و ویلیامسون (2005) مطالعه خود را بر رابطه آموزش مهندسی با سرمایه اجتماعی متمرکز نموده اند آنها توضیح می دهند که دانشگاهها اهدافی را برای دانش آموختگان در نظر می گیرند تا در محل کار به اندازه یک شهروند مسئول ایفای نقش کنند. دانشجویان موظفند نه تنها مهارت در یک موضوع خاص را فرا گیرند بلکه مهارتهای شهروندی اجتماعی و شغلی را نیز در خود ایجاد کنند. به اعتقاد این پژوهشگران رسیدن به این اهداف با مؤلفه هایی چون گذشت زمان، جوّ دانشگاهی فردی و رقابتی مرتبط است. آنها نتیجه می گیرند که شیوه های سنتی

[1] . bonding Social Capital

در برنامه های درسی مهندسی که فقط به قصد ایجاد مهارت در موضوعات خاص اند برای این حیطه کافی و درست نیستند.

این مقاله توصیه می کند که دانشگاهها برای دانشجویان سرمایه اجتماعی تولید کنند. سرمایه اجتماعی شامل شبکه های اجتماعی، هنجارهای اجتماعی و ارزش این شبکه ها و هنجارهاست. ارزش سرمایه اجتماعی در زمینه های متعدد شامل تجارت، اقتصاد و جامعه شناسی است . در مطالعه فلیک و ویلیامسون سرمایه اجتماعی دانشجویان مهندسی با مؤلفه های زیر ارتباط مثبت داشته است:

1- سطوح پایین جرائم
2- دستاورد آموزشی بالا
3- ابقاء در دانشگاه
4- ابداع و تولید در مؤسسات مبتنی بر دانش بویژه در ارتباط با آموزش مهندسی

آنان هم چنین دریافتند که بر اساس تئوریهای یادگیری اجتماعی، یادگیری دانشجویان باید در محیطهای اجتماعی متمرکز باشد تا بتواند مشتمل بر هنجارهای اجتماعی از قبیل اعتماد و رابطه متقابل باشد.

همچنین تنوع در روش های آموزشی موجب ارتقای سرمایه اجتماعی دانشجویان از قبیل یادگیری گروهی و یادگیری خدمات می شود.

همچنین جان فیلد در کتاب "سرمایه اجتماعی" به مطالعات متعدد دیگری در زمینهٔ رابطه سرمایه اجتماعی و آموزش اشاره کرده است که چکیدهٔ برخی از این مطالعات در کنار پژوهش های دیگر در جدول آتی درج شده است(موارد دوم تا پنجم نقل از : فیلد، جان 2003).

جدول شماره (2): مطالعات خارجی

ردیف	پژوهشگر	خلاصهٔ یافته‌ها
1	کلمن و دیگران1982، کلمن و هافر 1987	- کمتر بودن نرخ ترک تحصیل در مدارس کاتولیک در مقایسه با دانش آموزان مدارس غیر کاتولیک عمومی و خصوصی (اثر متغیر مستقل میزان حضور در مراسم دینی) - تحرک جغرافیایی موجب نابودی سرمایهٔ اجتماعی خانواده می‌شود.
2	هکمن و نیل 1998	- تأثیرات مثبت در مطالعات کلمن به سرمایه اجتماعی دانش آموزان محدود نمی‌شود بلکه تا حدی ریشه در تصمیمات والدین دارد.
3	دیکاوسینگ 2002	- بین دستاوردهای آموزشی و سرمایهٔ اجتماعی همبستگی مثبت وجود دارد. - پیشرفت تحصیلی با سرمایهٔ اجتماعی والدین مرتبط است - بررسی ارتباط وجوه مختلف سرمایهٔ اجتماعی با پیشرفت تحصیلی نیاز به تحقیقات بیشتری دارد.
4	استانتون سالازار و دورن بوش 1995	- مطالعه در بین دانش آموزان مکزیکی الاصل دبیرستان‌های کالیفرنیا نشان داد که دانش آموزان با سرمایهٔ اجتماعی بیشتر از نمرات و انگیزه‌های بالاتری برخوردار هستند. - نمرات دانش آموزان به تعداد و دامنهٔ پیوندهای ضعیف‌شان بستگی دارد
5	لاگلو 2000	- در پیمایش روی جوانان اسلو ارتباطی بین طبقه شغلی و سطوح سرمایهٔ فرهنگی یافت نشد.

ردیف	پژوهشگر	خلاصهٔ یافته‌ها
6	بوردیو 1988	- در فرانسه، استادان دانشگاه از سرمایهٔ اجتماعی برای بهبود موقعیت نسبی‌شان در سلسله مراتب دانشگاهی استفاده می‌کنند.
7	هداکس 1982	- سطح مشارکت در آموزش در بین کسانی که با بخش‌های جدیدتر زندگی اجتماعی درگیر بوده‌اند و این مسأله آنها را با نخبگان محلی در تماس نگه می‌داشت، خیلی بالاتر است.
8	املرومک نامارا 1996	- پیمایش در بین سه گروه از جوانان اسکاتلندی (دانشجویان تمام وقت، کارگران تمام وقت و افراد بیکار) گستردگی تماس اجتماعی دانشجویان تمام وقت را بر دو گروه دیگر نشان داد.
9	گلیزر و همکاران 2002	- ارتباط بین سرمایه اجتماعی و سرمایهٔ انسانی به عنوان یکی از قوی‌ترین قواعد تجربی در ادبیات سرمایهٔ اجتماعی تشریح شده است
10	براندا، مورفی و هالی، دالن 2002	- افرادی که دارای تحصیلات دانشگاهی بودند طی مدت بحران طوفان و آلودگی آب در والکرتون کانادا، بیش تر از سایر افراد به کمک دیگران اشتغال داشتند و بیش از دیگر افراد مایل بودند در فعالیت‌های جمعی مانند باشگاههای ورزشی شرکت کنند.
11	هلیول و پاتنام 2007	- افزایش میانگین سطوح آموزشی اعتماد را بالا می‌برد - نسبت آموزش تأثیر مثبت در ارتقای سرمایهٔ اجتماعی و مشارکت سیاسی و اجتماعی دارد.
12	فلیک و ویلیامسون 2005	- حضور سرمایهٔ اجتماعی در بین دانشجویان مهندسی به صورت مثبت با سطوح پایین جرائم، دستاورد آموزشی بالا، ابقاء در دانشگاه و ابداع و تولید بیشتر در مؤسسات مبتنی بر دانش مرتبط است.
13	استانتون سالازار و دورن بوش 2004	- عواملی چون دوزبانه بودن و سرمایهٔ فرهنگی مشارکتی، عوامل کلیدی در دسترس دانشجویان به منابع اطلاعات و منابع پایه محسوب می‌شود.
14	روسین و هایلند 2003	بین سرمایه اجتماعی دانشجویان و مشارکت گروهی آنها رابطه مثبت وجود دارد.
15	جولیا پریس 1999	مطالعه بین زنان متأهل و مسلمان شاغل به تحصیل در مراکز آموزش بزرگسالان در انگلستان نشان داد که آنان از طریق شرکت در این آموزش‌ها توانستند ساخت سرمایهٔ اجتماعی موجود را ارتقا بخشند و قدرت روابط خود را که بر خودآگاهی آنها و حس اعتمادشان بر دیگران تاثیر می گذاشت، از نو بازسازی کنند.

تحلیل و بررسی اولیه

عمدهٔ پژوهش های کاربردی سرمایه اجتماعی وجود رابطهٔ مثبت و معنی دار بین متغیرهای عمدهٔ سرمایه اجتماعی با رشد تحصیلات و آموزش را تأیید می کند.

هرچند همکن و نیل (1998) و دیکاوسینگ(2002) تلاش کرده اند تا یافته های کلمن را به نوعی تأویل کرده و احتمالات دیگری چون سرمایه اجتماعی والدین را عامل مؤثر بدانند اما این انتقادات ضعیف از کار کلمن نتوانست

ارزش مطالعه ایشان را زیر سئول ببرد زیرا یافته های ایشان با تحقیقات مکرر دیگر تأیید شده است. ضمن آنکه بخشی از سرمایه اجتماعی والدین نیز می تواند محصول آموزش و سطح تحصیلات آنها باشد.

ب- نگاهی به پژوهشهای داخل کشور

در این بخش مروری داریم به پژوهشها و پیمایش‌هایی که در ده سال گذشته پیرامون سنجش سرمایه‌اجتماعی در ایران به انجام رسیده است. آنچه مورد تأکید ماست صرفاً آن قسمت از این مطالعات است که رابطهٔ تحصیلات را با سرمایهٔ اجتماعی مورد ارزیابی قرار می‌دهد.

1ـ پژوهش ملی «بررسی آگاهیها، رفتارهای اجتماعی و فرهنگی در ایران»

یکی از متغیرهای مورد مطالعه در این پژوهش ملی که در سال 1375 منتشر شده است نگرش ایرانیان به هموطنان است. در این پژوهش نگرش گروه افراد دارای تحصیلات لیسانس و بالاتر و گروه افراد دارای تحصیلات ابتدایی و کمتر در زمینه‌های گوناگون از جمله نگرش به هموطنان خود مورد مقایسه قرار گرفته است. از آنجا که از متغیر نگرش به هموطنان بعنوان شاخصی برای میزان اعتماد به جامعه استفاده می‌شود، نتایج این مقایسه قابل تأمل است. این مطالعه نشان می دهد که درصد کسانی که هموطنان خود را زیاد راستگو می‌دانند در بین عامهٔ مردم 32 درصد و در بین تحصیلکردگان 10درصد است. این شکاف نوعی کاهش اعتماد را در بین تحصیلکردگان نشان می‌دهد. در سایر گزینه‌ها چون فعال بودن، تکروبودن، تنبل بودن، پایبند بودن به اخلاق، متقلب بودن و خودخواه بودن هموطنان، گروه تحصیلکردگان نسبت به عامهٔ مردم، قضاوت منفی‌تری دربارهٔ هموطنان خود داشته‌اند. (محسنی، 1375)

2ـ پژوهش سیدهادی مرجایی

این پژوهش که پیرامون بررسی سرمایهٔ اجتماعی دانشجویان دانشگاه‌ها انجام شده است نشان می دهد در بسیاری از مؤلفه‌ها رابطه معنی دار و کاهش چشمگیری بین دانشجویان مقطع کاردانی و مقطع دکتری مشاهده می‌شود. برای مثال میانگین مشارکت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی بین دانشجویان کاردانی (18/10) می‌باشد که این میانگین در مقطع دکتری به (4/93) کاهش می‌یابد. هم چنین میانگین سرمایه فرهنگی در مقطع کاردانی (8/13) بوده که در مقطع دکتری این رقم به (7/75) کاهش یافته است. (مرجایی، 1383)

در این پژوهش یافته‌های به دست آمده از تحلیل میانگین مقیاسهای تحقیق در ارتباط با تعداد ترم تحصیلی نشان می‌دهد که از مجموع 27 مقیاس سنجشی، پاسخگویان در 13 مفهوم اندازه‌گیری شده دارای دیدگاه یکسان و همگنی بوده و در 14 مفهوم نگرش آنها تفاوت معنی‌دار داشته است. به طوری که:

- دانشجویان ترم اول(40/76) بیشترین میزان مخاطرات شخصی و دانشجویان ترم نهم (25/80) کمترین میزان آن را داشته‌اند.
- دانشجویان ترم پنجم (68/8) بیشترین میزان ارزشهای اجتماعی و فرهنگی و دانشجویان ترم دهم (63/01) کمترین میزان آن را داشته‌اند.
- دانشجویان ترم هفتم (41/27) بیشترین میزان مخاطرات اقتصادی و اجتماعی و دانشجویان ترم نهم (35/67) کمترین میزان آن را داشته‌اند.
- دانشجویان ترم هفتم (3/46) بیشترین میزان عضویت در نهادهای مدنی و دانشجویان ترم نهم (1/5) کمترین میزان آن را داشته‌اند.

❖ دانشجویان ترم ششم (9/43) بیشترین میزان سرمایه فرهنگی و دانشجویان ترم سوم (6/85) کمترین میزان آن را داشته‌اند.

در مجموع بررسی موارد معنی‌دار نشان می دهد با افزایش تعداد ترم تحصیلی میزان سرمایه اجتماعی دانشجویان کاهش می‌یابد. (همان مأخذ)

3ـ تحلیل ثانویهٔ عبدی و گودرزی

عبدی و گودرزی (1378) تحلیل ثانویه‌ای از سه نظر سنجی ملی انجام داده‌اند. این نظر سنجی‌ها طی سالهای 1353،1358 و 1374 توسط آقایان دکتر علی اسدی و دکتر منوچهر محسنی و همکارانشان صورت گرفته است. در بخشی از این تحلیل ثانویه شکاف میان نخبگان و توده تحلیل شده است. در این قسمت نظرات دو گروه مختلف تحصیلی با هم مقایسه شده است.

همانگونه که در جداول آتی ملاحظه می‌شود در بسیاری از مؤلفه‌هایی که مرتبط با سرمایه اجتماعی است تحصیلکردگان جامعه ایران نمرهٔ کمتری گرفته‌اند.

شرکت در انجمنها و گروه‌ها به عنوان یک شیوهٔ گذران اوقات فراغت

متغیرهای مقولات	دیپلم	فوق لیسانس	لیسانس
تحصیلات	0/03	0/03	0/03

این شاخص برای افراد دیپلم تا لیسانس هیچگونه بهبود و ارتقایی را نشان نمی‌دهد، در حالی که انتظار بر این است با افزایش تحصیلات این شاخص ارتقاء پیدا کند.

	رادیو	تلویزیون	روزنامه	گفتگو
گروه مردم	52	11	1	30
گروه نخبه	39	46	32	5

تفاوت فاحش نخبگان با عامه مردم در مؤلفه «گفتگو» بعنوان یکی از معرف‌های روابط رودرروی اجتماعی می‌تواند نشانه ضعف پیوندهای اجتماعی در این گروه تلقی شود.

میزان رضایت از محیط اجتماعی

	راضی	ناراضی
گروه مردم	49	8
گروه نخبه	35	16

میزان رضایت از محیط اجتماعی با اعتماد به محیط اجتماعی مرتبط است. از این رو تفاوت در میزان رضایت نخبگان تحصیلکرده قابل مطالعه و بررسی است.

آمادگی و تمایل به مهاجرت به خارج از کشور

پیمایش 1374	خیر	بلی
گروه مردم	86	12
گروه نخبه	66	27

تمایل بیشتر به مهاجرت به خارج از کشور گویای سست بودن پیوندهای اجتماعی در مقایسه با گروه عامه مردم است.

4ـ پژوهش محمود شارع پور

در پژوهش دکتر محمود شارع پور که در سال 1383 تحت عنوان «بررسی تجربی سرمایهٔ اجتماعی در استان مازندران» با بهره‌گیری از نمونه 599 خانوار در سطح شهرستانهای مختلف استان مازندران انجام شده است، در مؤلفهٔ تحصیلات نتایج زیر حاصل شده است:

4-1- بین تحصیلات افراد با اعتماد به شبکه‌های غیررسمی (دوستان ـ اقوام ـ اعضای خانواده) رابطه‌ای وجود نداشته و همبستگی معنی دار نبوده است.

4-2- بین تحصیلات افراد با اعتماد اجتماعی (اعتماد به بیگانه) همبستگی از نوع منفی وجود داشته است. یعنی با افزایش تحصیلات میزان اعتماد به جامعه کم می شود. در حالی که در تحقیقات جهانی این همبستگی مثبت است.

4-3- بین سطح تحصیلات و اعتماد به نهادهای اجتماعی (مانند آموزش و پرورش ـ قوه قضائیه ـ قوه مقننه و...) همبستگی منفی معنی‌دار مشاهده شد. یعنی با افزایش تحصیلات میزان اعتماد به نهادها و سازمانها کم می‌شود. (شارع پور، محمود، 1383)

5ـ پژوهش ناطق پور و فیروز آبادی

این مطالعه بر اساس اطلاعات 1759 نفر پاسخگو از 22 منطقه شهر تهران انجام شده و سرمایه اجتماعی و عوامل مؤثر بر شکل گیری آن در شهر تهران را مورد کنکاش قرار داده است.

این تحقیق نشان داد که:

5-1- سطح تحصیلات و آموزش با مشارکت‌های غیررسمی همیارانه همبستگی معنادار ندارد.

5-2- سطح تحصیلات و آموزش با مشارکت‌های غیررسمی خیریه‌ای و مذهبی رابطه معکوس دارد.

5-3- سطح تحصیلات و آموزش با سایر عناصر مفهومی سرمایه اجتماعی مانند اعتماد، آگاهی و توجه، مشارکت رسمی و سرمایه اجتماعی کل، همبستگی مستقیم معناداری دارد. (ناطق پور و فیروزآبادی، 1384)

بدین ترتیب مشاهده می شود که در عناصر بند 3-5 نتایج این تحقیق با نتایج پژوهش های مشابه همخوانی ندارد. اما در زمینهٔ مشارکت‌های غیررسمی، کماکان با افزایش تحصیلات این شاخص رو به کاهش بوده یا تفاوت معناداری را نشان نداده است.

6ـ پژوهش فاتحی دهاقانی

فاتحی دهاقانی در پایان نامه خود، تأثیر سرمایه اجتماعی بر هویت اجتماعی دانشجویان در شهر تهران را سنجیده است. وی نشان داده است که بین سرمایه اجتماعی دانشجویان با نحوهٔ تعریف آنان از هویت خود همبستگی مثبت و معنادار بوده است اما این همبستگی از نظر شدت ضعیف است. (فاتحی دهاقانی، 1382) احتمال داده می شود که علت این امر کمبود ذخیره سرمایهٔ اجتماعی دانشجویان باشد.

7- پژوهش (پایان نامه) ودادهیر

پژوهش ودادهیر (1377) نشان داد که میانگین هنجارمندی (یا اقتدا به هنجارهای جامعهٔ علمی) در بین دانشجویان کارشناسی ارشد و دکتری با همدیگر تفاوت معناداری ندارد. هم‌چنین بین سابقهٔ حضور دانشجویان و هنجارمندی آنها رابطه‌ای وجود ندارد. از آنجا که بخش قابل توجهی از هنجارهای جامعهٔ علمی احساس تعلق به

جامعهٔ علمی در قالب پیوندها و شبکه‌ها واعتماد به اجتماعات علمی بر می‌گردد، این شاخص می‌تواند به نوعی به سرمایه اجتماعی دانشجویان برگردد و معرف این باشد که تحصیلات بالاتر (مقطع دکتری در مقایسه با کارشناسی ارشد) نتوانسته است، تغییری در مجموعهٔ این شاخص‌ها ایجاد کند.

8- پژوهش سوری و مهرگان

پژوهش سوری و مهرگان (1386) بیانگر رابطه مستقیم بین کاهش سرمایه اجتماعی در ایران و کاهش تشکیل سرمایه انسانی (تحصیلات و آموزش) در سالهای اخیر است.

9- پژوهش دهقان و غفاری

نتایج تحقیق دهقان و غفاری (1384) نشان می‌دهد که میزان و کیفیت مشارکت در نهـادهای مشارکتی دانشجـویی بالانیست و میزان عملی مشارکت در این نهادها ضعیف می‌باشد. ویژگی شخصیتی عام گرایی در میان افراد مورد مطالعه(که 649 نفر دانشجویان علوم پزشکی دانشگاه تهران، علوم پزشکی شهید بهشتی و علوم پزشکی ایران بوده‌اند) حداکثر متوسط است. بیگانگی اجتماعی نیز نسبتاً زیاد است.

10- پژوهش آزاد ارمکی و کمالی

آزاد ارمکی و کمالی (1383) نشان دادند میزان اعتماد برحسب انواع آن در میان افراد با تحصیلات تا سطح ابتدایی و پایگاههای پایین اقتصادی- اجتماعی بیشتر از دیگران است.

11- پژوهش قانعی راد و حسینی

در تحقیق قانعی راد و حسینی (1384) که در بین 375 نفر از جوانان 14 تا 30 سال شهر تهران انجام شده است، رابطه بین تحصیلات و عضویت در تشکل‌های غیردولتی جوانان مثبت بوده است. به این معنی که هرچه تحصیلات افراد بالاتر باشد، احتمال عضویت آنها نیز بیشتر است.

12- پژوهش ابوالفضل مرشدی

مرشدی (1387) سرمایه اجتماعی دانشجویان عضو کانون های فرهنگی و هنری را با عامهٔ دانشجویان مقایسه کرده است. در این پژوهش سرمایهٔ اجتماعی عامهٔ دانشجویان در شاخص های برون دانشگاهی و درون دانشگاهی، اعتماد اجتماعی، اعتماد نهادی، همیاری برون دانشگاهی، کمتر از متوسط بوده است.

همچنین دانشجویانی که در ترم های بالاتر مشغول به تحصیل هستند (چه از عامهٔ دانشجویان و چه از اعضای کانون ها) سرمایه اجتماعی درون دانشگاهی و برون دانشگاهی بیشتری نسبت به دانشجویان ترم های پایین تر ندارند. این یافته ها، یافته های قبلی بویژه نتایج طرح سیدهادی مرجایی را مجدداً تأیید می کند.

13- پژوهشهای شعبانلو، میرباقری و دوامی، ذاکرصالحی (تحقیقات مهاجرت نخبگان)[1]

گرایش به مهاجرت نخبگان، معرف کاهش جاذبه های کشور مبدأ در ابعاد مختلف اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی از جمله ضعف پیوندها و شبکه های پایدار حرفه ای و اجتماعی و فرهنگی و کاهش اعتماد به دیگران و اعتماد به نهادهای حرفه ای و همراه با کاهش مشارکت اجتماعی است.

[1]- در ارتباط با موضوع مهاجرت نخبگان پژوهش های متعددی در کشور به انجام رسیده است که در اینجا صرفاً به چند مورد از آنها اشاره می شود.

شعبانلو (1380) که تمایل به مهاجرت را در بین دانشجویان برجستهٔ دانشگاه صنعتی شریف (با حجم نمونه 350 نفر) سنجیده است، گرایش به مهاجرت خارج از کشور را زیاد ارزیابی کرده است. پژوهش های مشابه (میرباقری و دوامی، 1386) بر اهمیت توسعه و نهادینه سازی شبکه مدیریت مشارکتی و مشارکت بیشتر نخبگان در تصمیمات، هم چنین ذاکر صالحی، (1383) و ذاکرصالحی (1386) بر راهبرد ترمیم و بازسازی فضای اعتماد بین نخبگان، جامعه و دولت تأکید کرده است.

جدول شماره (3): مطالعات داخل کشور

ردیف	پژوهشگر	سال	متغیر	خلاصهٔ یافته‌ها
1	دکتر منوچهر محسنی	1375	اعتماد	کاهش اعتماد تحصیلکردگان به جامعه در مقایسه با عامهٔ مردم و داشتن قضاوت منفی‌تر نسبت به هموطنان خود
2	دکترسیدهادی‌مرجایی	1383	عضویت در نهادهای مدنی	باافزایش ترم تحصیلی دانشجویان، عضویت کاهش پیدا کرده است
3	عباس عبدی و محسن گودرزی	1378	شرکت در انجمنها و گروهها آمادگی و تمایل به مهاجرت به خارج از کشور	این متغیر برای افراد دیپلم تا لیسانس هیچگونه بهبود و ارتقایی نیافته است. گروه نخبه بیش از دو برابر دیگران نسبت به مهاجرت تمایل نشان داده-اند
4	دکتر محمود شارع‌پور	1383	اعتماد به شبکه‌های غیر رسمی اعتماد اجتماعی (اعتماد به بیگانه) اعتماد به نهادهای اجتماعی	بین تحصیلات افراد و اعتماد به شبکه‌های غیررسمی رابطه‌ای وجود نداشته است بین تحصیلات با اعتماد اجتماعی همبستگی از نوع منفی وجود داشته است بین تحصیلات و اعتماد به نهادهای اجتماعی همبستگی منفی معنی دار مشاهده شد.
5	دکتر ناطق پور و فیروز آبادی	1384	مشارکت اعتماد	سطح تحصیلات و آموزش با مشارکت‌های غیررسمی همیارانه همبستگی معنادار ندارد و با مشارکت در امور خیریه رابطه معکوس دارد. این همبستگی در مشارکت رسمی مستقیم و معنادار است. بین تحصیلات و اعتماد همبستگی معنادار وجود دارد
6	دکتر فاتحی دهاقانی	1382	تعریف از هویت خود	بین سرمایه اجتماعی دانشجویان در شهر تهران با نحوهٔ تعریف آنان از هویت خود همبستگی مثبت و معنادار بوده است.
7	دکتر ابوعلی ودادهیر	1377	هنجارهای جامعهٔ علمی	با ارتقای سطح تحصیلات هنجارمندی تفاوت معناداری پیدا نمی‌کند

ادامه جدول شماره (3): مطالعات داخل کشور

ردیف	پژوهشگر	سال	متغیر	خلاصهٔ یافته‌ها
8	دکتر سوری و دکتر مهرگان	1386	سرمایه اجتماعی	بین کاهش سرمایه اجتماعی در ایران و تشکیل سرمایه انسانی رابطه مستقیم وجود دارد.
9	دهقان و غفاری	1384	مشارکت عام گرایی بیگانگی اجتماعی	میزان و کیفیت مشارکت دانشجویان بالا نیست ویژگی عام‌گرایی در میان دانشجویان متوسط است بیگانگی اجتماعی در بین دانشجویان نسبتاً زیاد است.
10	دکتر تقی آزاد ارمکی و کمالی	1383	اعتماد	میزان اعتماد برحسب انواع مختلف آن در میان افـراد با تحصیلات پایین‌تر بیشتر از دیگران است
11	دکتر قانعی راد و حسینی	1384	عضویت در تشکل‌های غیردولتی	رابطه بین تحصیلات و این متغیر مثبت بوده است.
12	ابوالفضل مرشدی	1387	روابط تشکلی، روابط غیرتشکلی، اعتماد اجتماعی، اعتماد نهادی، همیاری درون گروهی	- سرمایه اجتماعی درون دانشگاهی عامهٔ دانشجویان از حد متوسط تجاوز نمی کند (میانگین 3/96 از 10) - شبکه روابط تشکلی درون دانشگاهی عامهٔ دانشجویان بسیار ضعیف (1/42 از 10) ارزیابی می شود - شبکه روابط غیرتشکلی درون دانشگاهی عامه دانشجویان کمتر از متوسط (3/75 از 10) است - اعتماد اجتماعی درون دانشگاهی دانشجویان ضعیف (میانگین 2/72 از 10) می باشند - اعتماد نهادی درون دانشگاهی عامه دانشجویان ضعیف (3/48 از 10 ارزیابی شده است) - همیاری درون گروهی خوب (7/39) ارزیابی می شود - سرمایه اجتماعی برون دانشگاهی دانشجویان در شاخص های یاد شده نیز کمتر از متوسط (میانگین 3/96)بوده است.
13	شعبانلو، میرباقری و دوامی، ذاکرصالحی و ...	1380 1381 1386	اعتماد اجتماعی مشارکت اجتماعی تعلق به جامعهٔ بومی	- بین دانشجویان نخبه در مقاطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری تمایل به مهاجرت زیاد است - توسعه مشارکت نخبگان و بازسازی فضای آسیب خوردهٔ اعتماد بین نخبگان و جامعه و دولت اهمیت دارد

تحلیل و بررسی اولیه

بررسی سیزده مورد مطالعات داخل کشور نشان می دهد که بین افزایش تحصیلات و آموزش افراد و سرمایه اجتماعی آنان یا رابطه ای وجود ندارد و یا این رابطه معکوس است. این نتیجه که در دوازده مورد از این پژوهشها تائید شده است بسیار در خور تامل و بیانگر وجود شکافها و مشکلات عمده در قلمرو متغیرهای سرمایه اجتماعی در بین قشر نخبه و تحصیلکرده جامعه ایرانی است. امری که جامعه شناسان از آن به "فرسایش سرمایه اجتماعی" یاد می کنند.
تنها یافته هایی که با سایر مطالعات همخوانی ندارند نخست بخشی از یافته های پژوهش ناطق پور و فیروز آبادی است (بند 3-5) که البته این مطالعه محدود به شهر تهران است. دیگری پژوهش قانعی راد و حسینی است.
جالب است که این پژوهش نیز در محدوده شهر تهران انجام گرفته است (نه در سطح ملی) و از این جهت با پژوهش اول هماهنگ است. از این رو میزان تعمیم پذیری آنها محدود به این شهر خواهد بود. ضمن آنکه رابطه مثبت بین تحصیلات و عضویت در تشکل های غیر دولتی جوانان ممکن است دلایل دیگری داشته باشد مانند رابطه سن جوانی با احتمال دارا بودن تحصیلات دانشگاهی یا شروط خاص عضویت در این تشکل ها.

فراتحلیل

همانگونه که بررسی جدول شمارهٔ 2 و 3 ملاحظه شد بر خلاف تحقیقات جهانی افزایش تحصیلات در ایران تأثیر منفی بر میزان سرمایه اجتماعی ایرانیان دارد. این نظریه معنایی منحصر به فردی است که از درون فراتحلیل حاضر به روشنی استخراج می شود و معرف یک وضعیت متناقض گونه[1] است. این ناسازه که دو روند متناقض را در ایران و جهان بازنمایی می‌کند می‌تواند ریشه در احتمالات زیر داشته باشد. بدیهی است تبیین و اثبات دقیق این نظریه و پاسخ‌های احتمالی نیازمند پژوهش‌های تجربی مستقلی است.

1- تحصیلکردگان ایرانی دوران گذار از سنت به مدرنیته را طی می‌کنند. ویژگی این دوران این است که از سویی روابط و پیوندها و هنجارهای سنتی به تدریج حذف می‌شوند و از سویی هنجارها و ارزش‌ها و نظام ارتباطی مدرن نیز به خوبی جایگزین نشده است. در چنین شرایطی با نوعی رها شدگی و بی‌هنجاری و آنومی مواجه‌ایم. کاهش سرمایه اجتماعی تحصیلکردگان می‌تواند ناشی از زیست در محیطی چنین آشفته باشد.

2- اجتماع علمی[2] در ایران شکل نگرفته است. شکل‌گیری اجتماع علمی محصول مناسبات منحصر به فردی است که حالت محلی[3] داشته و به آسانی حاصل نمی‌شود. این مناسبات در پیوند با مجموعه‌های انسانی و تکنولوژیک خاص متولد می‌شوند و قابل مشابه سازی در سایر محیطها نیست.

در صورتی که اجتماع علمی در ایران شکل بگیرد به همراه خود مجموعه متراکمی از پیوندها و شبکه‌ها را که محتوای تخصصی و علمی دارند به ارمغان می‌آورد و به افزایش سرمایه اجتماعی تحصیلکردگان و متخصصان منجر می‌شود.

3- در نظام آموزشی ما سطح جامعه‌پذیری علمی[4] فراگیران پایین است. دانش آموزان و دانشجویان از طریق معلمان و استادان خود در یک مواجههٔ مستمر، طولانی و رودررو می‌توانند هنجارهای علمی را نهادینه کنند. در برخی دانشگاههای جهان مانند آکسفورد و کمبریج، جامعه‌پذیری علمی هدف اصلی آموزش‌عالی شمرده می‌شود. از این

[1] pardoxical
[2] Scientific Community
[3] Local
[4] Scientific Socialization

رو در الگوی آکسفریج (مرکب از آکسفورد و کمبریج) بر استقرار دانشجویان در کمپ و پردیس دانشگاه و فراگیری اصول اخلاق علمی تأکید فراوان می‌شود.

جامعه پذیری علمی به همراه خود، توسعه ارتباطات و پیوندها و افزایش اعتماد به نهادها را به همراه دارد .

4- در ایران نظام آموزشی به مقولات فرهنگی کمتر پرداخته است. در این نظام هرگاه مباحث فرهنگی مطرح شده است به تبلیغات[4] اهمیت داده شده است. یک نظام فرهنگی کارآمد که از انسجام درونی و حمایت خانواده و اجتماع برخوردار باشد از طریق رشد مهارت‌های اجتماعی و فرهنگی و آموزش شیوه‌های مؤثر معاشرت می‌تواند ذخیره سرمایه اجتماعی دانش‌آموزان و دانشجویان را بهبود بخشد.

5- ضعف حرفه‌ای گرایی و کمبود فعالیت‌های صنفی در بین قشر تحصیلکرده می‌تواند عامل فرسایش روابط و پیوندها، تحمیل انزوای اجتماعی و در نهایت کاهش سرمایه اجتماعی آنان باشد. تحقیقات نشان می‌دهد تحصیلکردگان از حضور در اجتماعات و کانون‌های مذهبی و خیریه استقبال نکرده‌اند. (عبدی و گودرزی، 1378)

در مقابل نسبت به خلق و توسعه اجتماعات و کانون‌های مورد علاقهٔ خود نیز سعی وافری نداشته‌اند. کنکاش در علل ضعف حرفه‌ای گرایی و کشف دلایل آن نیازمند پژوهش‌های مستقلی است.

6- ممکن است کاهش سرمایه اجتماعی تحصیلکردگان ناشی از بروز نوعی احساس غنا و بی‌نیازی از جامعه به موازات رشد توان علمی و تخصصی آنان باشد. این احساس که می‌تواند کاذب و خطرناک نیز باشد در نهایت به سندرم برج عاج نشینی و احساس برتری نسبت به عوام ختم می‌شود. این عارضه می‌تواند هم مؤلفهٔ اعتماد و هم پیوندها و شبکه‌های اجتماعی را سست کند.

7- دلیل و احتمال دیگر این است که وقتی آموزش نتواند به وجود آورندهٔ قدرت و منزلت برای فرد باشد و او در ازای آن از جامعه پاداشی دریافت نکند به تدریج موجب کاهش تأثیرگذاری این مؤلفه بر سرمایه اجتماعی می‌شود. افزایش نقش و جایگاه ثروت و روابط (پول و پارتی) در کسب منزلت و نیل به اشتغال مناسب در سالهای اخیر نیز گویای این است که حداقل در سطح ادراکی، احساس عدم حاکمیت شایسته سالاری در بین نخبگان علمی وجود دارد. این امر کاهش اعتماد اجتماعی آنان را به همراه دارد.

8- سنخ و فضای سرمایه اجتماعی در بین نخبگان علمی و تحصیلکردگان از عامه مردم متفاوت است اما شاخص‌های مطالعه در پژوهش‌های مورد بررسی یکسان بوده است. برای مثال یک فرد تحصیلکرده از نظر شاخص عضویت در هیأت های مذهبی نمرهٔ پایینی کسب نموده است اما در مقابل آن شاخص عضویت در انجمنهای علمی وجود نداشته است. از این رو نمرهٔ کل سرمایه اجتماعی آنان کاهشی را نشان می‌دهد.

9- دلیل کاهش سرمایه اجتماعی تحصیلکردگان ممکن است ناشی از تحصیلات نباشد! می‌توان با وسواس و احتیاط بیشتری سایر متغیرهای تأثیرگذار را وارسی و کنترل کرد. شاید احساس نوعی یأس، بدبینی و سرخوردگی و یا عوامل سیاسی در این زمینه تأثیر کلیدی داشته باشد.

مطالعات مربوط به «علل مهاجرت نخبگان» در ایران نقش کلیدی چنین مؤلفه‌هایی را پررنگ‌تر و جدی‌تر می‌کند. (نگاه کنید به پژوهش‌های طایفی، علی، 1380- طلوع، ابوالقاسم، 1379- ذاکرصالحی، غلامرضا، 1379)

---

[4]- Propaganda

نتیجه گیری و پیشنهاد:

هرچه مناسبات اجتماعی پیچیده‌تر شده و ترکیب آن فزونی می‌یابد، قدرت سرمایهٔ اجتماعی رو به کاهش و فرسایش می‌گذارد. رشد عامل تحصیلات بویژه تحصیلات دانشگاهی بالقوه می تواند عامل مؤثری در افزایش ترکیب و پیچیدگی مناسبات اجتماعی باشد. در کشورهای بزرگ صنعتی و توسعه یافته، تنوع و گونه‌گونی اشکال و تبلورهای سرمایه اجتماعی در قالب سازمانهای تخصصی و پیوندهای سست جایگزین توانسته است خلاء ناشی از این فرسایش را پر کند. در کشور ما نظام سیاست‌گذاری اجتماعی نتوانسته است باز تولید و آفرینش های جدیدی از مصادیق و تبلورهای سرمایه اجتماعی نخبگان و تحصیلکردگان را در قالب شبکه ها و پیوندهای جدید و جایگزین تضمین نماید، لذا با شکاف در خور تأمل در این زمینه مواجهایم. حاصل این بررسی برجسته نمودن وجه مسأله زای (پروبلماتیک) سرمایه اجتماعی تحصیلکردگان و تلاش برای تبیین تئوریک و حل این ناسازه است. ناسازه ای که از درون نظریهٔ معنایی استخراج شده از این فراتحلیل سر برآورده است.

به منظور پرکردن شکاف موجود و ارتقای سطح سرمایه اجتماعی تحصیل کردگان دانشگاهی کشور پیگیری سیاست های زیر توصیه می شود:

1. بازسازی و ترمیم فضای اعتماد بین نخبگان، جامعه و دولت
2. اصلاح نظام آموزش عالی کشور در جهت تقویت اجتماعات علمی و فرآیندهای کار گروهی
3. توسعه تعاملات اجتماعی و علمی و فرهنگی بین دانشجویان در قالب انجمنها و شبکه ها و بررسی علل ضعف اثربخشی فعالیت های فوق برنامه
4. تقویت بنیان های حرفه ای گرایی و فعالیت های صنفی گروهی در مراکز علمی
5. رشد مهارت های اجتماعی و ارتباطی دانشجویان
6. ارتقای سطح جامعه پذیری علمی دانشجویان با همیاری استادان

منابع:

- آزاد ارمکی، تقی، کمالی افسانه (1383)، اعتماد، اجتماع و جنسیت، مجله جامعه شناسی ایران، دوره پنجم، شمارهٔ 2
- احمدی، یعقوب (1385) سرمایه اجتماعی، جامعهٔ مدنی و دمکراسی، ماهنامهٔ اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره 226-225
- الوانی، سید مهدی و سید نقوی ، میرعلی(1381) سرمایهٔ اجتماعی: مفاهیم و نظریه‌ها، فصلنامهٔ مطالعات مدیریت شمارهٔ 33 و 34 ، دانشگاه علامه طباطبایی
- براندا، مورفی، هالی، دالن، مدیریت بحران و سرمایه‌های اجتماعی، ترجمه حمیدرضا محمدی، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال سوم، زمستان 1382
- پانتام، روبرت (1380). دمکراسی و سنت‌های مدنی، ترجمه دلفروز، تهران، انتشارات سلام
- دلاور، علی (1376)، مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی، چاپ دوم، انتشارات رشد
- دهقان علیرضا و غفاری غلامرضا (1384)، تبیین مشارکت اجتماعی- فرهنگی دانشجویان دانشگاههای علوم پزشکی شهر تهران، مجلهٔ جامعه شناسی ایران، دورهٔ ششم – شمارهٔ 1
- ذاکرصالحی، (1386)، فراتحلیل مطالعات انجام شده در زمینهٔ نخبگان و پیشگیری از مهاجرت آنان، مجلهٔ جامعه شناسی ایران، دورهٔ هشتم، شماره یک، بهار 1386
- ذاکر صالحی، غلامرضا (1379)،مهاجرت نخبگان، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
- ذاکر صالحی، غلامرضا (1383)،دانشگاه ایرانی: درآمدی بر جامعه شناسی آموزش عالی، انتشارات کویر
- سوری، علی و مهرگان نادر، (1386) نقش سرمایهٔ اجتماعی در تشکیل سرمایهٔ انسانی، فصلنامهٔ پژوهشهای بازرگانی، شمارهٔ 42
- شارع پور، محمود (1380)، فرسایش سرمایهٔ اجتماعی و پیآمدهای آن، نامهٔ انجمن جامعه‌شناسی ایران، شمارهٔ 3
- شارع پور، محمود (1383). طرح پژوهشی « بررسی تجربی سرمایهٔ اجتماعی در استان مازندران» دانشگاه مازندران
- شعبانلو، رحیم (1380)، بررسی گرایش دانشجویان به مهاجرت از کشور، پایان نامهٔ کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس
- شعبانی ورکی، بختیار و آهنچیان، نرگس (1385)، رهبری دانشگاهی و سرمایهٔ اجتماعی: رویکردی جامعه شناختی به مدیریت آموزش عالی، فصلنامهٔ اندیشه های نوین تربیتی، دورهٔ دوم، شمارهٔ 3 و 4، دانشگاه الزهرا
- طایفی، علی (1380)، گزارش طرح نیازسنجی نیروی انسانی متخصص، مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی
- طلوع، ابوالقاسم (1379)، فرار مغزها، جذب مغزها، گردش مغزها، مرکز تحقیقات علمی کشور
- عبدی، عباس و گودرزی، محسن (1378)، تحولات فرهنگی در ایران ، تهران ، انتشارات روش
- فاتحی دهاقانی، ابوالقاسم (1382) ، تأثیر سرمایهٔ اجتماعی بر هویت اجتماعی دانشجویان در شهر تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه شناسی، دانشگاه اصفهان
- فیلد، جان (2003) سرمایهٔ اجتماعی، ترجمه غلامرضا غفاری و حسین رمضانی، انتشارات کویر
- قانعی راد، محمدامین و حسینی فریده (1384)، ارزش‌ها، شبکهٔ روابط و مشارکت در سازمانهای غیردولتی، مجله جامعه شناسی ایران، دورهٔ ششم، شماره3
- کلمن، جیمز (1377). بنیادهای نظریهٔ اجتماعی. ترجمه منوچهر صبوری. تهران، نشرنی

- محسنی، منوچهر (1375) بررسی آگاهیها، رفتارهای اجتماعی و فرهنگی در ایران، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
- مرجائی، سید هادی (1383)، سرمایهٔ اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاهها، مؤسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی
- مرشدی، ابوالفضل (1387)، بررسی سرمایهٔ اجتماعی در کانون های فرهنگی هنری دانشگاههای دولتی شهر تهران، پژوهشکدهٔ مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری (منتشر نشده)
- مک نی، ایان (1999)، دانشگاه و اجتماعات علمی آن، گروه مترجمان، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، چاپ اول، 1386
- میرباقری، محمدحسین و دوامی پرویز (1386)، فرار مغزها (راهکارها)، فصلنامهٔ آموزش مهندسی ایران، شماره 36 ایضاً رک: میرباقری، محمدحسین، سید میرزا سمیرا و دوامی پرویز(1383)، همان ماخذ، شماره 24، زمستان 1383
- ناطق پور، محمدجواد و فیروز آبادی، سیداحمد (1384) ، سرمایهٔ اجتماعی و عوامل مؤثر بر شکل‌گیری آن در شهر تهران، مجلهٔ جامعه شناسی ایران، دورهٔ ششم، شمارهٔ4
- ودادهیر، ابوعلی (1377)، بررسی عوامل دانشگاهی مؤثر بر پیروی دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاههای ایران از هنجارها و ضد هنجارهای علم، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی دانشگاه تبریز

- Burnheim, Catherine (2004), Education and Social capital , www.mounash.edu
- Flick, Brown & Williamson, K. (2005), Social Capital in engineering Education, Frontiers in Education, FIE apos, 05. Proceedings 35th Annual conference, 19-22 oct 2005.
- Grayson, paul, j. (2004) social dynamics, university experiences, and graduates job outcomes, British journal of sociology of Education, volume 25, Issue 5.
- Helliwell, John. F and Putnam, Robert.D. (2007) Education and Social CapitaL, Eastern Economic Journal, Vol.33, No.1
- Nahapiet,J. Ghoshal,S (1998), Social Capital , intellectual capital and the organizational advantage, Academy of management Review, Vol 23, No2.
- Print, Murry. Coleman, David (2003) Toward Understanding of Social Capital and Citizenship: Cambiridge Journal of Education, Vol. 33. Lssue 1, p. 123
- Rossin, D., & Hyland, T. (2003) Group work_Based learning within higher education: An intergral ingredient for the personal and social development of students.mentoring & Tutoring, 11 (2).
- Scherpenzeel,(1997) "The Validity and Reliability of Survey Question: A meta_analysis of MTMM Studies" , Sociological Methods and Research. Vol.25,No.3.
- www.worldbank.org